

شادی و غم از دیدگاه ابن سینا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

محمود صیدی*
محمدجواد پاشایی**

چکیده

شادی و غم از مهم‌ترین و اساسی‌ترین حالاتی هستند که برای هر فردی در زندگی‌اش عارض می‌شوند. در میان متفکران مسلمان، ابن سینا برای تحلیل و بررسی این کیفیت نفسانی، بسیار کوشیده و این دو مقوله را در پرتو رابطه نفس ناطقه با بدن و نیز حالات روح بخاری بررسی کرده است. پژوهش حاضر حول سه محور اصلی بدین شرح صورت گرفته است: نخست، تبیین حقیقت شادی و غم، و این مسئله که لذت با شادی و غم با درد، رابطه‌ای مطابق دارد و عروض یکی از حالات، مستلزم عروض حالت دیگر به انسان است؛ دوم، چگونگی عروض شادی و غم در نفس انسان که در این حوزه، بوعلی شادی و غم را از دو جهت، عارض بر انسان دانسته است: یکی تصورات نفسانی و دیگری عوارض بدنی؛ سوم، تأثیر شادی و غم بر سلامت و بیماری انسان، بدین شرح که این دو مقوله به دلیل اثر گذاشتن بر روح بخاری، نقشی مهم در سلامت انسان ایفا می‌کنند. از نظر ابن سینا مکرر شدن شادی به بروز شادی بیشتر در انسان و تکرار غمناک بودن به ناراحتی و غم بیشتر در او می‌انجامد. از دیگر یافته‌های این پژوهش، تقسیم‌کردن شادی و غم بر سه قسم حسی، خیالی و عقلی را می‌توان ذکر کرد.

واژگان کلیدی: ابن سینا، شادی، غم، نفس ناطقه، بدن، روح بخاری.

m.saidiy@shahed.ac.ir

* استادیار گروه فلسفه و حکمت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

mjpgashaei@shahed.ac.ir

** استادیار گروه فلسفه و حکمت، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

هر انسانی حالات مختلف را در طول زندگی خویش تجربه می‌کند و ممکن است خشمگین یا شادمان شود؛ همچنین حالات بسیار زیاد دیگری در اوقات مختلف بر او عارض می‌شوند. یکی از مصداق‌های مهم این‌گونه حالات، شادی و غم است که هرکسی در دوران زندگی خویش، بارها آن‌ها را تجربه می‌کند و نمی‌توان فردی را یافت که چنین تجربه‌ای نداشته باشد؛ بدین جهت، تحلیل فلسفی این کیفیت نفسانی اهمیت فراوان می‌یابد؛ به‌ویژه در دوران معاصر که بحران‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، نیاز انسان‌ها به شادبودن و ازبین‌رفتن غمناکی را دوچندان کرده است.

ابن‌سینا از بزرگ‌ترین حکیمان و طبیبان مسلمان است که تحقیق‌های طبی و فلسفی بسیاری دربارهٔ حالات مختلف نفسانی و جسمانی، و چگونگی رابطهٔ نفس و بدن در این‌گونه موارد انجام داده و نظریاتی بدیع را در این حوزه عرضه کرده است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از اندیشمندان پس از وی تحت تأثیر نظرهایش قرار گرفته‌اند. یکی از مباحثی که ابن‌سینا تحقیقاتی قابل توجه در آن حوزه انجام داده، شادی و غم در وجود انسان‌ها و تحلیل فلسفی این دو مقوله، به‌ویژه از جهت رابطهٔ نفس ناطقه با بدن است.

در آثار ابن‌سینا نمی‌توان تعریفی دقیق دربارهٔ ماهیت و حقیقت شادی یا غم یافت؛ زیرا شادی و غم از امور و کیفیات نفسانی هستند (ابن‌سینا، بی‌تا، ص. ۲۲۶)؛ بنابراین، اموری مانند شادی و غم را به‌دلیل بدیهی‌بودنشان نمی‌توان دقیقاً تعریف کرد؛ ولی چنین کیفیاتی را از نظر بوعلی، به جهت وجود داشتن رابطه میان نفس ناطقه و بدن می‌توانیم تحلیل و بررسی کنیم؛ زیرا همهٔ حالات بدنی و نفسانی در یکدیگر مؤثرند.

از دیدگاه ابن‌سینا نفس ناطقه دو گونه افعال دارد: نخست، افعالی که نفس ناطقه بالذات و بدون نیاز به بدن، آن‌ها را انجام می‌دهد؛ مانند ادراک عقلانی محض؛ دوم، افعالی که نفس آن‌ها را در قیاس با بدن انجام می‌دهد؛ مانند شادی و غم در وجود انسان‌ها که به نفس ناطقه از جهت تعلق داشتن به بدن عارض می‌شود (ابن‌سینا، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۰۱)؛

۱. فخر رازی در کتاب شرح عیون الحکمة، در تشریح عبارات ابن‌سینا وجدانی‌بودن شادی از دیدگاه شیخ‌الرئیس را نتیجه گرفته است (فخر رازی، ۱۳۷۳، ج. ۱، ص. ۶۸).

۲. از آنجا که جمع‌کردن میان امور نفسانی محض و افعال در مقایسه با بدن برای بسیاری از انسان‌ها دشوار است، غمناک یا شادمان‌بودن انسان‌ها از جهتی، به غفلت آنان از جهت دیگر می‌انجامد (ابن‌سینا، ۱۳۷۹، ص. ۳۶۹) و بر این اساس، شخص نمی‌تواند هم‌زمان خوشحال یا غمگین باشد؛ با وجود آن، شادی از بالاترین لذات متصور برای انسان‌هاست و حصول کامل آن در عالم ماده ممکن نیست (ابن‌سینا، ۱۳۸۳، ج. ۶، ص. ۶).

بدین ترتیب، روح بخاری که واسطه‌ای میان نفس ناطقه با بدن است، در تحلیل و بررسی شادی و غم در وجود انسان‌ها اهمیت فراوان می‌یابد. در پژوهش حاضر، نظریه ابن‌سینا درباره شادی و غم را تحلیل و بررسی می‌کنیم.

جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی گوناگون نشان می‌دهد تاکنون، پژوهشی درباره دیدگاه ابن‌سینا در خصوص شادی و غم صورت نگرفته است. از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه شادی و غم به‌طور کلی، موارد ذیل را می‌توان برشمرد:

الف) مقاله‌ای با عنوان «چگونه در شادی و غم فرومی‌رویم؟ نگاهی تحلیلی به دیدگاه‌های شناختی و روان‌شناسی اجتماعی» از یونسی (۱۳۸۳): عنوان این مقاله نشان می‌دهد رویکرد نویسنده آن، مبتنی بر علوم شناختی و به‌ویژه روان‌شناسی است و بنابراین، با نظریات فلسفی عرضه‌شده در زمینه شادی و غم و به‌ویژه دیدگاه‌های ابن‌سینا در این زمینه ارتباطی ندارد.

ب) مقاله‌ای با عنوان «شادی و غم در تعالیم اسلامی» از مصطفی‌پور (۱۳۸۷): نویسنده در این مقاله، شادی و غم را در منابع اسلامی و به‌ویژه قرآن و حدیث بررسی و تحلیل کرده است و بدین ترتیب، در این اثر نیز رویکرد فلسفی به‌ویژه به آثار ابن‌سینا در این زمینه وجود ندارد.

ج) مقاله‌ای با عنوان «شادی و غم در قرآن» از مصباح یزدی (۱۳۸۳): در این مقاله، شادی و غم در آیات قرآن کریم بررسی شده است و بدین ترتیب، این اثر با نظریات فلسفی عرضه‌شده درباره شادی و غم، و به‌ویژه دیدگاه‌های ابن‌سینا در این زمینه ارتباطی ندارد.

براساس آنچه گفتیم، تاکنون درباره شادی و غم از دیدگاه ابن‌سینا پژوهشی مستقل انجام نشده است و با توجه به اهمیت این مسئله در حکمت سینوی، انجام‌دادن پژوهشی مستقل در این زمینه ضرورت دارد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، حول سه محور بدین شرح بیان می‌شود: نخست، تبیین حقیقت شادی و غم؛ دوم، چگونگی عروض شادی و غم در نفس انسان؛ سوم، تأثیر شادی و غم بر سلامت و بیماری انسان.

۱. لذت‌بودن شادی و رنج‌بودن غم

از دیدگاه ابن‌سینا لذت عبارت از ادراک و کسب خیر و کمال برای فاعل ادراک‌کننده است و در مقابل، الم (درد) یعنی ادراک‌شدن آفت و شر برای فاعل آن (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج. ۳،

ص. ۳۳۷)؛ بنابراین، لذت عبارت از ادراک حصول و ایجاد کمال (مانند لذت حاصل از ارتقایافتن به مرتبه‌ای علمی) یا مُدرکی خاص (مانند لذت حاصل از دیدن منظره‌ای زیبا) است. در صورت حصول چنین اموری فاعل آن‌ها ضرورتاً شادمان می‌شود و در نفس خویش احساس خوشحالی می‌کند؛ مثلاً ادراک شیرین‌بودن چیزی یا لذیذبودن غذایی سبب حصول لذت و بالتبع، شادی نفسانی و جسمانی در انسان می‌شود (ابن‌سینا، بی‌تا، ص. ۲۲۷) و در این هنگام، فرد از لذت‌بردن خویش شادمان می‌شود؛ فردی از کشته‌شدن ظالمان لذت می‌برد و این لذت‌بردن، سبب عروض شادمانی بسیار در وی می‌شود (ابن‌سینا، ۱۴۰۵ق، ج. ۴، ص. ۱۵۱)؛ وقتی فردی صدقه می‌دهد تا لذت ببرد یا دوستانی دارد که از مصاحبت با آنان لذت می‌برد، در همه این موارد، لذت سبب شادمان‌شدن فرد نیز می‌شود (ابن‌سینا، ۱۴۰۵ق، ج. ۴، ص. ۱۵۸)؛ همچنین فردی که دیگران را تمسخر می‌کند، در وجود خویش انبساط‌خاطر می‌یابد و شادمان می‌شود (ابن‌سینا، ۱۴۰۵ق، ج. ۴، ص. ۴۱).^۱ با توجه به آنچه گفتیم، مفهوم شادی و لذت، نسبتی مطابق از میان نسبت‌های چهارگانه دارد و میان مصداق‌های شادی با لذت نیز رابطه لزومی برقرار است؛ زیرا هر لذتی سبب شادمانی فرد می‌شود و هر شادمانی‌ای لذت را برای انسان در پی دارد.

درمقابل، با توجه به مبانی موردنظر ابن‌سینا رابطه‌ای که گفتیم میان شادی و لذت برقرار است، میان الم و غم نیز وجود دارد؛ زیرا درد و رنج‌بردن انسان سبب غمناک‌شدن او می‌شود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت ازدیدگاه ابن‌سینا غمناک‌بودن، الم (درد) عارض بر انسان است (ابن‌سینا، ۱۳۸۲، ص. ۹۳)؛ بنابراین، غم به الم می‌انجامد و الم نیز به غم منجر می‌شود؛ در نتیجه، مفاهیم غم و الم، نسبت مطابقی با یکدیگر دارند و حصول هر یک از آن‌ها به حصول دیگری در وجود انسان می‌انجامد.

ابن‌سینا برای تبیین رابطه غم با درد و رنج، مثال‌هایی را ذکر کرده است: شخصی که دچار حسد شده باشد، غمناک نیز می‌شود؛ زیرا تصور می‌کند دیگران به امور خیر دست یافته‌اند؛ ولی او فاقد خیرات است؛ لذا حس غمناکی بر او عارض می‌شود؛ همچنین فردی

۱. اخلاقاً و شرعاً تمسخر دیگران، مذموم و ناپسند است. ابن‌سینا نیز درصدد ارزش‌گذاری نبوده؛ بلکه صرفاً تحلیل فلسفی رابطه لذت با شادی را در نظر داشته است؛ به بیان دیگر، مذموم‌بودن چنین فعلی مفروض انگاشته شده است.

که از دست‌نیافتن به ثروت بیشتر غمناک و ناراحت می‌شود، احساس رنج و الم نفسانی هم خواهد داشت. در این موارد، درد و رنج‌بردن از چیزی سبب غمناک‌بودن انسان می‌شود (ابن‌سینا، ۱۴۰۵ق، ج. ۴، ص. ۱۵۱). با توجه به این مثال‌ها درمی‌یابیم درد و رنج لزوماً به ناراحتی و غمناکی نفسانی هم می‌انجامد؛ زیرا ذاتی ماهیت درد و رنج، غمناک‌شدن نیز هست و بنابراین، فرد دچار رنج، لزوماً دچار غم نیز می‌شود و شادمان نیست.

ابن‌سینا به‌منظور تبیین و توضیح بیشتر دیدگاه خویش دربارهٔ رابطهٔ لذت و شادی از یک سوی و رابطهٔ رنج با غم از سوی دیگر، قریحهٔ شاعرانه در انسان و بنابراین، سرودن شعر را تحلیل کرده و معتقد است قریحهٔ شاعری در وجود انسان به لذت‌بردن و بالتبع شادشدن خود شاعر هنگام سرودن شعر (حس فرح نفسانی) و همچنین دیگران هنگام شنیدن شعر زیبا منجر می‌شود؛ زیرا شعر ویژگی حکایتگری دارد و به‌واسطهٔ داشتن قریحهٔ شاعری، انسان از دیگر حیوانات متمایز و جدا می‌شود. از نظر وی، حکایتگری شاعرانه در میان انسان‌ها بسیار سودمند است؛ زیرا به‌وسیلهٔ آن، انسان می‌تواند معانی خاصی را آموزش دهد. انسان‌ها از حکایتگری شاعرانه لذت فراوان می‌برند و شادمان می‌شوند؛ زیرا بسیاری از این‌گونه امور، سبب پندآموزی و عبرت‌گیری آنان می‌شود و شاعر با سرودن اشعار می‌تواند معانی موردنظرش را به دیگر انسان‌ها انتقال دهد و سبب شادی آن‌ها شود (ابن‌سینا، ۱۴۰۵ق، ج. ۴، ص. ۳۷). این مسئله زمانی وضوح بیشتر می‌یابد که شاعری فردی را مدح گوید. در این حالت، مسلماً شخص مدح‌شده لذت بسیار می‌برد و شاد می‌شود؛ زیرا تصور می‌کند در تاریخ، جاودانه خواهد شد و همگان از او به نیکی و بزرگی یاد خواهند کرد. هدایای گران‌بهایی که در طول تاریخ، شاهان به شاعران داده‌اند، گواه این مدعاست.

ویژگی حکایتگری شعر، ممکن است به رنج و بنابراین، غم بسیار بینجامد. فرض کنید شاعری بزرگ و خوش‌قریحه شخص مشهور یا پادشاهی را مذمت کند. دقیقاً به‌دلایل گفته‌شده، فرد مذمت‌شده تصور خواهد کرد با چنین شعری در تاریخ، جاودانه خواهد شد و همگان او را فردی ناشایست، ظالم و تبه‌کار به‌شمار خواهند آورد. این مسئله سبب رنج نفسانی و بنابراین، غمناکی بسیار می‌شود؛ به‌گونه‌ای که حتی ممکن است آزار و اذیت شاعر و حتی قتل او را در پی داشته باشد (الم و ناراحتی شخص شاعر).

بدین ترتیب، میان شادبودن و لذت بردن از یک جهت و میان رنج بردن با غمناک بودن به لحاظ مفهومی، رابطه مطابقی و از نظر مصداقی، رابطه لزومی برقرار است^۱؛ زیرا در پی حصول شادی، لذت و در پی حصول غم، رنج نیز حاصل می شود و آنها را نمی توان از هم تفکیک کرد. در تمام این موارد، عوامل خارجی به ادراک نفسانی می انجامند و اگر چنین عواملی از نظر شخص، سبب لذت او شوند، شادی نفسانی را نیز برایش به دنبال دارند؛ یعنی فرد در ذات خود شاد می شود؛ ولی اگر عوامل خارجی سبب رنج او شوند، غمناک خواهد شد و در باطن خویش احساس ناراحتی خواهد کرد.

از آثار و مبانی ابن سینا می توان استنباط کرد که شادی و غم، هر دو امور وجودی اند؛ زیرا امور وجودی سبب حصول آنها می شوند؛ مثلاً برخی عوامل خارجی سبب بروز غم یا شادی در انسان می شوند و به دلیل وجودی بودن هر دو آنها^۲ رابطه عدم و ملکه یا تناقض (سلب و ایجاب) برقرار نیست. با توجه به اینکه شادی و غم دو امر وجودی اند و هر دو آنها عارض نفس انسانی می شوند، می توان نتیجه گرفت میان حد اعلامی شادی با بالاترین مرتبه غم نفسانی، رابطه تضاد برقرار است^۳.

۲. شادی و غم محسوس، خیالی و عقلی

از دیدگاه ابن سینا شادی و غم، انفعالاتی نفسانی اند که با اثرپذیری نفس انسان از امور مختلف ادراک می شوند؛ بنابراین، آنها را می توان کیفیاتی نفسانی مانند دیگر صورت های

۱. بدین شرح که به دنبال حصول شادی یا غم در انسان، لزوماً لذت یا الم نیز در او به وجود می آید و بالعکس. انفکاک این معانی از یکدیگر ممکن نیست.

۲. برخی موارد الم و غم از امور عدمی نشئت می گیرند؛ مانند فردی که به سبب فوت یکی از نزدیکانش بسیار غمگین است و درد نفسانی بسیاری را حس می کند. در این گونه موارد، صورت علمی حاصل شده در نفس انسانی به بروز غم و درد منجر شده است. صورت علمی نیز امری وجودی است و عدمی نیست. اصولاً به دلیل اثرپذیرفتن انسان هنگام ایجاد شادی و غم، این امور از نوع وجودی اند؛ زیرا تأثیر و تأثر در امور عدمی محض، ممکن نیست.

۳. البته مطابق مبانی مورد نظر شیخ الرئیس، این رابطه به نسبت تضایف نیز منجر می شود؛ زیرا تعقل شادی به تعقل غم نیز می انجامد. ابن سینا نیز تصریح کرده است لازمه متضادان، تضایف نیز هست؛ زیرا تعقل یکی سبب تعقل دیگری نیز می شود: «المتضادان یلزمهما التضایف بسبب التنازع و یكون کل واحد منهما معقول الماهیه بالقیاس إلى الآخر بسبب التنازع و صحیح أن یقال إنهما حیث هما متضادان متضایفان» (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ص. ۴۴). به نظر می رسد این دیدگاه ابن سینا تا حدودی قابل مناقشه باشد؛ زیرا وقتی بین دو امر وجودی، غایت اختلاف وجود دارد، هیچ گاه با تصور یکی، دیگری به ذهن نمی آید. به طور مشخص، ما می توانیم شادی یا مثلاً سفیدی را تصور کنیم؛ بدون اینکه لازم باشد غم یا در مثال دیگر، سیاهی را تصور کنیم. به هر حال، این مسئله نیازمند انجام دادن پژوهشی مستقل است.

علمی قلمداد کرد؛ زیرا ابن‌سینا صورت‌های علمی را عَرَض و ازبابِ کَیفِ نفسانی می‌داند (ابن‌سینا، ۱۴۱۸ق، ص. ۱۴۵). از سوی دیگر، وی مراتب ادراکات انسانی را به اقسامی شامل حسی، خیالی و عقلی تقسیم کرده که با نظر به میزان ارتباط داشتن یا بی‌ارتباط بودن صورت‌های علمی با خارج، محسوس و مادی است.

با توجه به آنچه گفتیم، می‌توان شادی و غم در وجود انسان‌ها را به انواع حسی، خیالی و عقلی تقسیم کرد. شادی حسی با استفاده از حواس پنج‌گانه ظاهری، یعنی بویایی، شنوایی، بینایی، چشائی و لامسه ادراک می‌شود. در این‌گونه موارد، ارتباط با خارج محسوس به ادراک و حصول شادی در انسان می‌انجامد که محسوس است. لذت‌یافتن به‌حسب هریک از این امور پنج‌گانه، سبب ایجاد شادی خیالی در انسان می‌شود؛ همان‌گونه که علم حسی با قطع‌نظر از متعلق خارجی آن، خیالی است؛ مانند اینکه انسان با یادآوری لذتی محسوس که در گذشته داشته است، احساس شادی نفسانی می‌کند؛ هرچند متعلق خارجی آن، حاضر نیست؛ در نتیجه، برخی صورت‌های علمی محسوس و متخیل، سبب حصول شادی حسی و خیالی در انسان می‌شوند.

دیگر مرتبه شادی از نوع عقلی است که به‌واسطه صورت‌های معقول در انسان به‌وجود می‌آید و دو ویژگی مهم دارد: یکی نداشتن هیچ‌گونه اندوه؛ دیگری دائمی بودن شادی در انسان؛ یعنی این مرتبه از شادی، مانند شادی‌های مادی نیست که با غم همراه باشد؛ بلکه شادی محض است. ویژگی نخست به‌واسطه فقدان هرگونه اندوه در انسان حاصل می‌شود و بنابراین می‌توان آن را عبارت از نبود غم و سلب اندوه تعریف کرد؛ به دیگر سخن، این‌گونه شادی با غم همراه نیست و شادی محض است؛ ولی ویژگی دوم، یعنی دائمی بودن شادی در انسان، از نوع ایجابی است و به‌واسطه وجود داشتن موجبات شادی در انسان‌ها حاصل می‌شود و مهم‌ترین نمونه آن، ادراک ذات الهی است؛ بدین ترتیب، بالاترین شادی در میان شادی‌های روحانی از طریق زیارت خداوند متعال و شهود او حاصل می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۱) و تا وقتی فرد باری- تعالی- را شهود می‌کند، دوام دارد؛ بنابراین، عارفی که این‌گونه علم دارد، همواره شادمان خواهد بود (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج. ۳، ص. ۳۹۱)؛ زیرا دوام شادی به‌جهت بودن متعلق آن، یعنی ادراک و شهود خداوند متعال است.

به موازات شادی، غم نیز دارای مراتب حسی، خیالی و عقلی است؛ زیرا به دلیل وجود داشتن صورت‌های علمی در نفس انسانی پدید می‌آید. آلامی که به سبب امور جسمانی و با توجه به یکی از حواس ظاهری در انسان ایجاد می‌شوند، غمناک شدن محسوس را در پی دارند؛ مثلاً اگر شخصی دچار آسیبی جسمانی در عضوی از بدنش شود، غمناکی محسوسی در وی پدید می‌آید؛ به علاوه، صورت‌های علمی غمناک سبب بروز ناراحتی و غمناکی خیالی در انسان می‌شوند. فردی که حادثه‌ای ناگوار برایش اتفاق افتاده است، با یادآوری آن حادثه مدت‌ها پس از رخ دادن آن نیز غمناک می‌شود؛ هر چند آن حادثه و امور مربوط بدان دیگر وجود خارجی ندارند.

غم عقلی به واسطه صورت‌های عقلی در انسان به وجود می‌آید و مانند شادی عقلی، دو ویژگی برجسته دارد: یکی وجود داشتن هرگونه شادی در فرد و دیگری دائمی بودن غم شخصی. ویژگی نخست مانند آن است که فردی بالطبع یا به سبب وجود عوامل مختلفی همچون کارکرد نامنظم روح بخاری و غلبه حرارت بر آن، دارای عامل شادی‌آور در ذات خویش نباشد (ابن سینا، ۲۰۰۵م، ج. ۱، ص. ۱۷۹). این ویژگی، امری سلبی، یعنی فقدان عامل شادی است؛ اما ویژگی دوم، یعنی دائمی بودن اندوه شخص، به سبب دائمی بودن عامل آن بروز می‌کند. از نمونه‌های بارز این مورد در زندگی انسان‌ها می‌توان فردی را ذکر کرد که تنها فرزند خویش را ازدست داده است. چنین فردی همواره در طول عمر خویش به محض به یاد آوردن فرزندش غمناک می‌شود و این اندوه تا زمان مرگ در او باقی می‌ماند!

همان‌گونه که پیشتر گفتیم، مهم‌ترین نمونه شادی روحانی در قسم ایجابی آن، شهود خداوند متعال است. شادی روحانی هنگام وصول عارف به خدا را به دو گونه می‌توان تحلیل کرد: نخست، آنکه عارف به دلیل واصل شدن به ذات حق، به شادی بسیار دست می‌یابد و از وجود خویش لذت می‌برد. چنین شادبودنی در واقع، شادبودن عارف به ذات خود است؛ نه به ذات خداوند متعال؛ بنابراین، او در این مقام، بازهم غیرخدا را می‌بیند و

۱. ابن سینا درباره شادی و غم عقلانی می‌گوید: «لیکن الفرح النطقی شدة و نفاذ فی فعلها و من العارض المضاد لذلك و لیکن الغم النطقی الذی لا ألم بدنی فیہ ضعف و عجز حتی یفسد فعلها، و ربما انتقض المزاج به انتقاضاً» (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ص. ۲۵).

بدان شادمان است. دوم، آنکه شادمانی عارف، ناشی از وصول به خداوند متعال و انقطاع از همه مخلوقات است^۱. وصول به کامل‌ترین موجود، لذت و بالتبع، شادمانی بسیاری را برای عارف ارمغان خواهد آورد؛ زیرا اثری از خدا به وی سرایت می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج. ۳، ص. ۳۸۶). حتی ابن‌سینا مناجات با خدا را نیز به دلیل مرتبط و واصل شدن به کامل‌ترین موجود، موجب شادی می‌داند (ابن‌سینا، ۱۳۸۳ الف، ص. ۱۰۱). از آنجا که متعلق شادمانی در این مورد، بسیار بالاتر و شدیدتر از موارد دیگر است، شاد شدن عارف در این حالت نیز از هر شادی دیگری بالاتر خواهد بود (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ج. ۳، ص. ۳۹۸).

ابن‌سینا گونه‌ای دیگر از شادی غیر جسمانی را مباحث و مسائل علمی دانسته است؛ زیرا در این گونه مباحث، شادی‌ای خاص عارض ذهن انسانی می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۷۱، ص. ۵۳). آشنایی با مباحث علمی و تحلیل آن‌ها شادی ذهنی خاصی را برای فرد ایجاد می‌کند؛ مثلاً در تحلیل مسئله‌ای فلسفی یا حل کردن معادله‌ای ریاضی، چنین شادی‌ای حاصل می‌شود. نفس ناطقه بر همه قوای خویش استیلاء دارد و در پی ادراک قضایایی که محبوب آن است، شادی عقلانی بر انسان عارض می‌شود؛ بنابراین، شادی یا غم عقلی، شدت و استیلا بسیار بیشتری در مقایسه با شادی یا غم محسوس و خیالی دارد و شادی خیالی نیز شدیدتر از نوع محسوس آن است. در تأیید این مسئله می‌توان گفت در برخی موارد، غمناک بودن نفسانی (اعم از خیالی و عقلی) به گونه‌ای شدت می‌یابد که مزاج انسانی را مختل می‌کند (ابن‌سینا، ۱۴۱۷ ق، ص. ۴۵-۴۶)؛ مانند فردی که از شدت ناراحتی ناشی از فوت یکی از عزیزانش اشتهاهای لازم برای تناول غذا را ندارد؛ در مقابل، شادی نفسانی (اعم از خیالی و عقلی) ممکن است به گونه‌ای شدت یابد که به اصلاح مزاج و بهبود یافتن شخص بیمار بینجامد.

شایان ذکر است که چنانچه دانشمندی برای حل کردن مسئله‌ای علمی تلاش بسیار کند و در نهایت، به هر دلیلی در این کار موفق نشود، اندوه عقلانی بسیاری بر او عارض خواهد

۱. فخر رازی در تبیین دیدگاه ابن‌سینا در این زمینه می‌گوید: «در این هنگام، نظر عارف صرفاً به خداوند است و شادمانی او نیز به جهت وصول به ذات الهی است» (فخر رازی، ۱۳۸۴، ج. ۲، ص. ۶۲۱). وی می‌افزاید: «در این هنگام، همه مخلوقات از جهت نیازمند بودن به خداوند در نظر او مساوی هستند» (فخر رازی، ۱۳۸۴، ج. ۲، ص. ۶۳۴)؛ لذا وصول به کامل‌ترین موجود، لذت و بالتبع، شادمانی بسیار را برای عارف ارمغان خواهد آورد.

شد؛ به دیگر سخن، شادی و غم در این گونه موارد، به موازات یکدیگر بروز می‌کنند و اگر عاملی موجب بروز شادی بسیار در انسان شود، فقدان آن نیز اندوه زیادی را در شخص ایجاد می‌کند.

۳. چگونگی عروض شادی و غم بر انسان‌ها^۱

ابن سینا از دو جهت، چگونگی ایجاد شادی و غم در انسان‌ها را بیان کرده است: الف) نفس ناطقه به واسطه روح بخاری به بدن تعلق می‌گیرد و بنابراین، روح بخاری واسطه میان مجرد محض، یعنی نفس ناطقه با بدن مادی است (ابن سینا، ۱۳۶۳، ص. ۹۴)؛ بدین جهت، همه ادراکات نفسانی‌ای که از طریق بدن به وجود می‌آیند، به واسطه روح بخاری حاصل می‌شوند. از سوی دیگر گفتیم که شادی و غم، کیفیاتی نفسانی از دیدگاه ابن سینا هستند. با نظر به این نکته، غم و شادی از انفعالات خاصی هستند که به روح بخاری موجود در قلب تعلق می‌یابند. اشتداد یا تضعف هر انفعالی صرفاً به سبب فاعل آن نیست؛ بلکه گاهی چنین شدت وضعی از جوهر منفعل و استعداد شدید یا ضعیف آن نیز اثر می‌پذیرد؛ بر این اساس، همه انسان‌ها با نظر به کیفیت روح بخاری‌شان قابلیت شاد شدن و غمناک بودن را دارند و بدین جهت، برخی انسان‌ها دارای استعداد بیشتری برای شاد شدن و برخی دیگر، دارای قابلیت زیادتری برای غمناک بودن هستند؛ به دیگر سخن، به دلیل انفعالات و شدت یا ضعف روح بخاری، یکی از دو کیفیت شادی و غم بر این گونه افراد غلبه می‌یابد (ابن سینا، بی تا، ص. ۲۲۶-۲۲۷).

ب) گفتیم که همه عوارض نفسانی که تأثیراتی نیز در بدن انسان ایجاد می‌کنند، از حرکات روح بخاری حاصل می‌شوند؛ بدین شرح که حرکت روح بخاری یا به سوی داخل است و یا به سوی خارج، و هر یک از این حالت‌ها نیز یا دفعی هستند یا تدریجی. اگر روح بخاری به سوی خارج حرکت کند، باطن انسان سرد می‌شود و اگر این حرکت شدید باشد،

۱. شایان ذکر است که ابن سینا حرکات اجرام سماوی و افلاک را نیز در حصول شادی و غم در نفوس انسان‌ها اثرگذار می‌داند؛ مثلاً از دیدگاه او فلک زهره سبب حرکت انسان به سوی لذت و شادی می‌شود (ابن سینا، ۱۳۲۶، ص. ۵۹). شیخ‌الرئیس می‌گوید:

... چون به آسمان سوم رسیدم، ملکی دیدم که مثل او بر جمال و حسن ندیده بودم؛ شاد و خرم نشسته بر کرسی از نور و ملائکه گردبرگرد او درآمده؛ یعنی فلک زهره که جمال او به شرح حاجت نیست و او بر شادی و طرب دلیل است (ابن سینا، ۱۳۵۲، ص. ۲۸).

انسان به سرعت تحلیل می‌رود و به دلیل سرد شدن ظاهر و باطن، بیهوشی یا مرگ بر وی عارض می‌شود؛ زیرا حرارت غریزی و روح بخاری، عوامل اصلی حیات بدنی انسانی هستند که در این فرض به سوی خارج از بدن حرکت کرده‌اند. حرکت روح بخاری به سوی خارج اگر دفعتاً حاصل شود، غضب به وجود می‌آید؛ زیرا حرکت دفعی سبب ایجاد کیفیتی دفعی مانند غضبناک بودن می‌شود؛ ولی اگر این حرکت از نوع تدریجی باشد، لذت و شادی معتدل به وجود می‌آید؛ زیرا حرکت تدریجی روح بخاری سبب اعتدال و منظم شدن افعال آن می‌شود و معلول آن نیز شادی معتدل است. اگر حرکت روح بخاری به سوی داخل و به گونه دفعی باشد، شادی مفرط پدید می‌آید؛ ولی اگر این حرکت از نوع تدریجی باشد، حزن به وجود می‌آید (ابن‌سینا، بی‌تا، ص. ۲۱۴)؛ زیرا حرکت دفعی به سوی داخل، سبب انقباض روح بخاری می‌شود که ایجاد نیروی مضاعف در شخص را به دنبال دارد. در این هنگام، هرچه شادی بیشتر باشد، تأثیرات آن افزایش می‌یابد و آثار بیشتری در بدن انسان نمود می‌یابد؛ ولی حرکت تدریجی روح بخاری به درون بدن، اندک‌اندک سبب بروز اندوه در شخص به موازات حرکت تدریجی روح بخاری می‌شود.

اگر قلب انسانی به خوبی فعالیت کند و معتدل باشد و به دیگر سخن، حرارت و رطوبت معتدل داشته باشد و به ضعف متمایل نشود، اوهام^۱ و تصورات نفسانی‌ای که برای انسان حاصل می‌شوند، او را شاد خواهند کرد؛ زیرا به دلیل رابطه استوار قلب با روح بخاری، شادی پدید می‌آید؛ در مقابل، اوهام دالّ بر وحشت و ترس، به غمناک بودن می‌انجامد و بنابراین، قلب فعالیت معتدل ندارد و حرارت و رطوبت آن به نیکوی و اعتدال نیست (ابن‌سینا، بی‌تا، ص. ۲۱۸)؛ زیرا روح بخاری به نیکوی فعالیت نمی‌کند و حالت تعادل آن قوا و به ویژه قلب برهم می‌خورد.

ابن‌سینا معتقد است روح بخاری موجود در قلب اگر دارای مقدار و ماده شدید باشد، مزاجی معتدل خواهد داشت و بنابراین، استعداد زیادی برای شادی دارد؛ در مقابل، چنانچه مقدار و ماده روح بخاری موجود در قلب، اندک باشد (مانند آنچه در افراد مریض و سالمند می‌بینیم)، روح بخاری اعتدال مزاج نخواهد داشت و بدین ترتیب، استعداد زیادی برای غمناک بودن پدید خواهد آمد (ابن‌سینا، بی‌تا، ص. ۲۲۹-۲۳۰).

۱. در اینجا مقصود ابن‌سینا از اوهام، ادراکاتی است که قوه وهم، آنها را تصور و سپس تصدیق می‌کند.

عروض شادی و غم برای بدن انسان بدین صورت است که مفاهیم یا تصورات علمی از اشیا و امور مختلف، سبب پیدایش حالات غم یا شادی در انسان می‌شوند و بدن نیز از حالت شادی یا غمناک بودن نفس ناطقه اثر می‌پذیرد (ابن سینا، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۹)؛ زیرا نفس ناطقه رابطه تدبیر و تصرف با بدن دارد و هیئت‌های نفسانی مانند شادی در بدن مؤثرند (ابن سینا، ۱۳۷۵، ج. ۳، ص. ۴۱۴)^۱ و حتی تصورات شادی و غم در نفس ناطقه موجب تغییر رنگ صورت نیز می‌شوند. ابن سینا تأثیرات نفسانی در چشمان انسان را نیز واضح و روشن می‌داند (ابن سینا، ۱۴۰۵، ج. ۳، ص. ۲۱)؛ زیرا به دلیل رابطه نفس ناطقه با بدن، حالات نفسانی، تغییرات جسمانی را پدید می‌آورند.

با نظر به رابطه نفس ناطقه و بدن، اگر انسان به نیکو بودن تصورات نفسانی خویش اعتقاد داشته باشد، شادمان می‌شود؛ ولی اگر به قبیح بودن آن‌ها معتقد باشد، حزن بر وی عارض خواهد شد و تغییرات بدنی متناسبی نیز در او به وجود خواهد آمد؛ زیرا در این هنگام، خون در باطن قلب می‌ماند و انحصار خون در آنجا رخ می‌دهد و غم عارض می‌شود؛ ولی اگر انسان به نیکو بودن تصورات نفسانی معتقد باشد، خون از باطن قلب به ظاهر بدن می‌آید و در نتیجه، انبساط خاطر و شادمانی بروز می‌کند (ابن سینا، ۱۳۷۳، ج. ۲، ص. ۲۷۴)^۲.

۴. تأثیر شادی و غم در سلامت انسان

گفتیم که روح بخاری واسطه میان نفس ناطقه با بدن است؛ همچنین احوال نفسانی مانند شادی و غم، سبب ایجاد تغییرات بدنی بسیار مانند تغییر مزاج در انسان می‌شوند (فخر رازی، ۱۳۸۴، ج. ۲، ص. ۶۵۸). این امور در روح بخاری تأثیراتی دارند^۳ که در این قسمت، آن‌ها را بررسی می‌کنیم. این بحث به دلیل تأثیر زیاد روح بخاری در سلامت انسانی، کارکرد منظم بدن و چگونگی رابطه نفس ناطقه با بدن اهمیت فراوان دارد.

۱. فخر رازی در توضیح دیدگاه ابن سینا می‌گوید: «به دلیل چنین امری حتی صدای انسان نیز در حالت شادی یا غم تغییر می‌کند» (فخر رازی، ۱۳۸۴، ج. ۲، ص. ۶۱۵).

۲. از دیدگاه ابن سینا استعمال برخی گیاهان مانند پلنگ‌کُش یا دُرُوج و رب سبب در شادمان شدن فرد، بسیار مؤثر است (ابن سینا، بی‌تا، ص. ۲۴۲-۲۴۳).

۳. ابن سینا درباره عروض شادی و غم به روح بخاری می‌گوید: «إن الفرح و الغم و الخوف و الغضب، من الانفعالات الخاصة بالروح الذي في القلب» (ابن سینا، بی‌تا، ص. ۲۲۶).

تأثیرات شادی بر روح بخاری و در نتیجه، سلامت انسانی بدین شرح است:

الف) اعتدال مزاج روح بخاری (ابن سینا، بی تا، ص. ۲۳۶): شادمانی سبب می شود قلب انسان به اندازه کافی و زیاد، خون تولید کند (ابن رشد، بی تا، ص. ۱۴۱) و به دیگر سخن، قلب هنگام بروز شادی، کارکرد اصلی خویش را انجام می دهد. از سوی دیگر، قلب تولیدکننده روح بخاری است (ابن سینا، ۱۳۸۶، ص ۳۰۴) و در نتیجه، به دلیل کارکرد منظم آن هنگام بروز شادی، روح بخاری نیز اعتدال می یابد؛ به علاوه، شادمانی زیاد یا لذت وافر، سبب تخیله منافذ قلب از خون می شود (ابن سینا، ۲۰۰۵م، ج. ۱، ص. ۱۰۷)؛ زیرا قلب خون را به دیگر اعضای بدن می رساند و کارکرد منظم آن‌ها را تضمین می کند.

ب) تولید شدن قسمت‌هایی از روح بخاری که تحلیل رفته‌اند و حفظ قوت یا شدت رؤیت بخاری (ابن سینا، بی تا، ص. ۲۳۶): روح بخاری، جسم لطیف مادی است و نقش اصلی را در حیات بدن انسان و تداوم تعلق داشتن نفس ناطقه به بدن برعهده دارد؛ بنابراین، به موازات رشد اعضای بدن و فعالیت مستمر آن‌ها روح بخاری نیز تحلیل می رود. علاوه بر عوامل مادی و طبیعی که از دیدگاه ابن سینا در بازیافت روح بخاری نقش دارند، شاد بودن یکی از عوامل نفسانی بسیار مهم در حفظ کارکرد روح بخاری و تولید اجزای تحلیل رفته آن است.

در مقابل تأثیرات شادی، غم نیز سبب ایجاد تأثیراتی بدین شرح در روح بخاری می شود:

الف) ضعیف شدن قوت و شدت روح بخاری (ابن سینا، بی تا، ص. ۲۳۶): وقتی انسان غمناک می شود، روح بخاری به سمت داخل حرکت می کند و بنابراین، غمناکی شدید ممکن است به بروز تب در انسان بینجامد (ابن سینا، ۲۰۰۵م، ج. ۴، ص. ۱۸)؛ همچنین در موارد غمناک بودن شدید، شخص قادر به انجام دادن کارهای رومره خویش نیست: «کسی غمگین شود، از کارها که باید کردن، بایستد» (ابن سینا، ۱۳۸۳ب، ص. ۱۱۲-۱۱۳)؛ زیرا غمناک بودن به گرمی بدن انسان منجر می شود و حرارت ایجاد شده از این طریق، رطوبت مغز و روح بخاری آن را از بین می برد؛ لذا در پی از بین رفتن رطوبت، بدن گرم می شود و

۱. ذکر این نکته ضرورت دارد که شادی مفرط از دیدگاه ابن سینا ممکن است به تب منجر شود؛ زیرا روح بخاری ضعیف می شود و اعتدال خویش را از دست می دهد (ابن سینا، ۲۰۰۵م، ج. ۴، ص. ۱۸)؛ بنابراین، مدعای ابن سینا درباره اعتدال روح بخاری، صرفاً در خصوص شادی معتدل است.

اعتدال آن از بین می‌رود: «غم، تن مردم را گرم کند و چون غم نه به یک دفعه باشد؛ چه او را مکث باشد به افراط، حرارت، رطوبات دماغ را بگدازاند. لابد چون حرارت اندر آن رطوبات کار کرده است، آن گرم باشد» (ابن سینا، ۱۳۳۲، ص. ۲۸).

ب) انقباض روح بخاری: در پی عارض شدن غم بر انسان، حرارت غریزی بدن ضعیف می‌شود؛ زیرا روح بخاری در این هنگام به صورت منقبض و متراکم درمی‌آید (ابن سینا، بی‌تا، ص. ۲۳۶) و بنابراین، افعال خویش را به نیکی انجام نمی‌دهد. با توجه به این نکته، غمناک بودن هیجان‌انگیز و زیاد ممکن است به دلیل تأثیر بر انقباض روح بخاری، سبب انقباض برخی اعضای بدن انسان شود؛ زیرا شادی یا غم، سبب حرکت کردن روح بخاری و تبدیل شدن برخی اعضا و انقباض آن‌ها می‌شود (ابن سینا، ۲۰۰۵م، ج. ۲، ص. ۳۳۴). چنین حالتی مانند شک، ممکن است به رعشه یا اختلال کارکرد عضوی از بدن بینجامد و بدین سبب، گاه شادمانی به بروز خنده منجر می‌شود؛ زیرا انبساط حرارت غریزی، باعث امتداد یافتن عضلات بدنی و از جمله صورت می‌شود و در نتیجه، شخص می‌خندد؛ در مقابل، گاه غمناک بودن، سبب بروز گریه می‌شود؛ زیرا در این هنگام، روح بخاری در قلب محصور می‌ماند و بنابراین، سردی بر بدن عارض می‌شود و سردی نیز خود، انقباض و کثافت اعضای بدن را در پی دارد. وقتی چنین انقباضی بر جرم دماغ (مغز) غلبه یابد، رطوبت به چشم سرایت می‌کند و بدین ترتیب، شخص می‌گرید (ابن سینا، ۱۳۸۶، ج. ۲، ص. ۲۷۴).

ابن سینا از تأثیرات شادی و غم در روح بخاری و بر این اساس، سلامت انسانی نتیجه می‌گیرد مکرر شدن شادی به ایجاد شادی بیشتر در انسان و تکرار غمناک بودن به بروز ناراحتی و غم بیشتر در او می‌انجامد (ابن سینا، بی‌تا، ص. ۲۳۶)؛ زیرا در حالت شادی، روح بخاری به نیکی فعالیت می‌کند و در نتیجه، شادی تداوم می‌یابد. دقیقاً عکس این مطلب درباره غم و ناراحتی صادق است: فردی که دچار ناراحتی‌های متعدد و پی‌درپی می‌شود، جسمی نحیف خواهد داشت و دچار کسالت‌های بسیار خواهد شد.

۱. طبق مبانی ابن سینا حرارت غریزی از روح بخاری در بدن انسان به وجود می‌آید و در سلامت و تعادل بدن انسان، نقشی اساسی دارد.

۵. شادی، غایت فاعل

وقتی انسان انجام‌دادن فعلی را اراده می‌کند، ممکن است اهداف و غایات متعددی داشته باشد و بدین جهت، انجام‌دادن فعلی بدون هدف و غایت، ممتنع است؛ مثلاً غایت فرد گرسنه از خوردن غذا سیرشدن و رفع گرسنگی است. شادمان‌شدن نیز یکی از غایات و اهداف فاعل در انجام‌دادن افعال خویش است؛ چنان‌که وقتی فردی بر دشمنان خویش غلبه می‌کند، شادمانی خاصی در او ایجاد می‌شود یا وقتی فردی افعالی را به‌منظور رضایت و شادشدن فرد دیگری انجام می‌دهد، تصور شادمان‌شدن فرد موردنظر، غایت علت فاعلی است؛ هرچند در این موارد نیز به‌دنبال شادمان‌شدن فرد موردنظر، فاعل نیز از شادی او شادمان خواهد شد (ابن‌سینا، ۱۴۱۸ق، ص. ۲۸۷)؛^۱ مثلاً فردی که به دیدار مریض یا والدین خویش می‌رود، هدفش شادمان‌کردن آن‌هاست و درعین حال، خود نیز شادمان می‌شود؛ همچنین است وضعیت فردی که به فقیری احسان می‌کند و صدقه می‌دهد و در نتیجه، شادی درونی در او حاصل می‌شود (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ص. ۱۰۷)؛ درمقابل، فردی که مرتکب تقصیری می‌شود یا افعالی نادرست انجام می‌دهد، غمناک خواهد شد (ابن‌سینا، ۱۴۱۸ق، ص. ۳۰۵). گاه تحقق‌یافتن برخی اسباب به غمناک‌بودن فرد یا افرادی می‌انجامد (ابن‌سینا، ۱۴۱۸ق، ص. ۴۵۰)؛ مثلاً وقوع حادثه‌ای غمناک مانند تصادف و مجروح‌شدن کودکی در خیابان بدان سبب، احساسات افراد زیادی را جریحه‌دار می‌کند و سبب غمگین‌شدن آن‌ها می‌شود؛ همچنین کشته‌شدن فردی بی‌گناه و مظلوم به‌دست عده‌ای ظالم و تبه‌کار، تألم بسیاری از انسان‌ها را در پی دارد؛ در نتیجه، غم از عوارض قوه غضبیه با مشارکت قوای ادراکی است. اگر از صورتی خیالی یا عقلانی، حالت انفعال و انقباض بر انسان عارض شود، قوه غضبیه قوت و شدت می‌یابد و فرد دچار غمناکی شدید می‌شود. حال، اگر انسان بر متعلق خارجی غلبه کند و پیروز شود، قوه غضبیه به غایت خویش دست می‌یابد و در نتیجه، انسان شادمان می‌شود (ابن‌سینا، ۱۴۱۷ق، ص. ۲۶۹-۲۷۰).

افزون‌بر آنچه گفتیم، نحوه وجود غایت، چنین است که با تصور انجام‌دادن فعل، شادی‌ای خاص در فاعل پدید می‌آید و به دیگر سخن، وجود ذهنی شادمانی درونش

۱. ابن‌سینا درباره تأثیر شادی و غم بر فاعلیت فاعل گفته است: «الفرح بما یحسن إلی الغیر و الغم بما یقع من التقصیر و غیر ذلك فهی أعراض خاصة للفاعل و دواع یذم عاصیها أو تنحط به منزلة کماله» (ابن‌سینا، ۱۴۱۸ق، ص. ۳۰۵).

حاصل می‌شود؛ بدین لحاظ، فاعل جهت خارجی کردن شادی ذهنی، فعل شادی‌آور را انجام می‌دهد و به عبارت دیگر، شادی ذهنی را به شادی خارجی تبدیل می‌کند (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۷)؛ به گونه‌ای که ابن سینا شادی حاصل‌شده از انجام‌دادن افعالی مانند بخشش را مهم‌ترین غایت می‌داند (ابن سینا، ۱۳۸۳ج، ص. ۵).

درنهایت، از مبانی ابن سینا نتیجه می‌گیریم حصول شادی، مهم‌ترین غایت برای هر انسانی در انجام‌دادن افعال خویش است و بدان سبب، وی غم و ناراحتی را نیز از خود رفع و دفع می‌کند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، شادی و غم را از دیدگاه ابن سینا بررسی و تحلیل کردیم و نتیجه گرفتیم در تحلیل این مفاهیم، توجه به رابطه نفس ناطقه با بدن، ضروری است؛ زیرا به دلیل ارتباط داشتن نفس ناطقه با بدن، همه عوارض نفسانی و جسمانی بر یکدیگر اثر می‌گذارند و بدین ترتیب، حالات شادی یا غم بر انسان‌ها عارض می‌شود. شادی و غم مفاهیمی هستند که با مفاهیم لذت و الم، نسبت مطابقی دارند. از نظر مصداقی و وجودی، حصول شادی به ایجاد لذت می‌انجامد و بالعکس؛ همچنین حصول الم به بروز غم منجر می‌شود و بالعکس. با توجه به مراتب ادراکات علمی انسان، شادی و غم، مراتب متفاوت و متعدد حسی، خیالی و عقلی دارند. شادبودن، سبب حفظ یا بازگشت سلامتی انسان می‌شود و غمناک‌شدن فرد، خروج وی از حالت اعتدال و سلامتی را در پی دارد. هدف از بسیاری از افعالی که فاعل‌های ارادی مانند انسان‌ها آن‌ها را انجام می‌دهند، به‌دست‌آوردن حالت شادی و دوری از غمناک‌بودن یا غمناک‌شدن است.

منابع

- ابن رشد (بی‌تا). شرح ابن رشد لأرجوزة ابن سینا. قطر: جامعة قطر.
 ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۲۶). تسع رسائل فی الحکمة و الطبیعیات. قاهره: دار العرب.
 ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۳۲). قراضة طبیعیات. تهران: انجمن آثار ملی.
 ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۵۲). معراجنامه. رشت: مطبعة عروة‌الوثقی.
 ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۳). المبدأ و المعاد. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.
 ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۱). المباحثات. قم: بیدار.

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵). *الإشارات و التنبیحات*. قم: دفتر نشر کتاب.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹). *النجاة*. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۲). *الأضحویة فی المعاد*. تهران: شمس تبریزی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳ الف). *الهیات دانشنامه‌ علائی*. همدان: دانشگاه بوعلی‌سینا.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳ ب). *طبیعیات دانشنامه‌ علائی* (سید محمد مشکوه، مصحح). همدان: دانشگاه بوعلی‌سینا.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳ ج). *ظفرنامه*. همدان: دانشگاه بوعلی‌سینا.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۶). *قانون در طب* (علی‌رضا مسعودی، مترجم). اصفهان: مرسل.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ ق). *التعلیقات*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۵ ق). *المنطق من کتاب الشفاء*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۱۷ ق). *النفس من کتاب الشفاء*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۱۸ ق). *الإلهیات من کتاب الشفاء*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۲۰۰۵ م). *القانون فی الطب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (بی‌تا). *رسالة فی الأدوية القلبية*. بی‌جا.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۷۳). *شرح عیون‌الحکمة*. تهران: مؤسسه‌الصادق.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۸۴). *شرح الإشارات و التنبیحات*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳). *شادی و غم در قرآن*. معرفت، ۸۴.
- مصطفی‌پور، محمدرضا (۱۳۸۷). *شادی و غم در تعالیم اسلامی*. پاسدار اسلام، ۳۲.
- یونسی، سید جلال (۱۳۸۳). *چگونه در شادی و غم فرومی‌رویم؟ نگاهی تحلیلی به دیدگاه‌های شناختی و روان‌شناسی اجتماعی*. *تازه‌های روان‌درمانی*، ۳۳ و ۳۴.

